

Legal principles and rules governing citizenship rights in cyber space

Mohammad khorshidi athar*

Received: 2022/06/03

Accepted: 2022/08/15

Abstract

The development and advancement of information and communication technologies along with its effective functions on many and varied issues related to human life has caused damage to the rights of citizens in the cyber space. However, the extent of the cyber space requires that a series of general legal principles and rules governs all the relationships in this space. In the present research, using library sources and descriptive and analytical research methods, it is the answer to the issue of ruling legal principles and rules on citizenship rights in the cyber space. the principle of "prohibition of detriment" can be regarded as the ruling principle in the relations between citizens and other members of the society in the cyber space; this principle prevents any detriment to the rights of citizens in the cyber space, and guarantees the harmed person. In terms of the legal rules governing the relationship between the government and citizens in the cyber space, the principle of innocence in the field of substantive matters and the principle of fair trial in the field of formal matters against the powers and means of exercising power by the government guarantee the protection of the rights of citizens in the cyber space. The principle of innocence makes cyber citizens immune from being guilty without any basis and the principle of fair trial also prevents the violation or limitation of citizen's rights in the cyber space under the pretext of ensuring security in this space.

Keywords: civil rights, cyberspace, principle of prohibition of detriment, principle of innocence, fair trial.

* MSc. of Criminal Law and Criminology, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

khoshidi.athar@hotmail.com

اصول و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در فضای سایبر

محمد خورشیدی اطهر*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در کنار کارکردهای مؤثر آن بر امور متعدّد و متنوع مرتبط با زندگانی بشری، موجب آسیب‌هایی برای حقوق شهروندی در فضای سایبر نیز بوده است؛ لکن لازمه گستره فضای سایبر این است که یک سری اصول و قواعد کلی حقوقی و دربرگیرنده ابعاد نظری حقوق شهروندی در فضای سایبر به تناسب بر تمام روابط و مناسبات موجود در این فضا حاکمیت نماید. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، پاسخگوی مسئله حکم‌فرمایی اصول و قواعد حقوقی بر حقوق شهروندی در فضای سایبر است. اصل «لا ضرر» را می‌توان در روابط میان شهروندان با دیگر اشخاص جامعه در فضای سایبر حاکم دانست و مآلاً از دو بعد تکلیفی و وضعی از ایراد هر گونه آسیب به حقوق شهروندی در فضای سایبر ممانعت به عمل می‌آورد و ضمان شخص زیان‌زننده را مقرر نمود. از حیث قواعد حقوقی حاکم بر مناسبات حکومت با شهروندان در فضای سایبر نیز، اصل برائت در حوزه امور ماهوی و اصل دادرسی منصفانه در حوزه امور شکلی در برابر اختیارات و ابزارهای اعمال قدرت توسط حکومت، ضامن حفظ و صیانت از حقوق شهروندان در فضای سایبر به حساب می‌آید. اصل برائت باعث می‌شود تا شهروندان سایبری از مجرم شناخته شدن بدون مبنا مصون باشند و اصل دادرسی منصفانه نیز مانع تضییع و یا تحدید حقوق شهروندی در فضای سایبر به بهانه تأمین امنیت در این فضا تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: اصل لا ضرر، اصل برائت، دادرسی منصفانه، حقوق شهروندی، فضای سایبر.

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.
khorshidi.athar@hotmail.com

مقدمه

حقوق شهروندی به اقتضای نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر شئون مختلف زندگی بشر در فضای سایبر نیز به رسمیت شناخته شده است. فضای سایبر با گستردگی و ویژگی‌های منحصر به فرد خود، تمام جنبه‌های متفاوت فردی و اجتماعی اشخاص را تحت تأثیر قرار داده و در کنار ره‌آورد فرصت‌های بی‌نظیر، تهدیدهای مخرب را نیز علیه بشریت به ارمغان آورده است (جوان‌جعفری، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). چالش‌های جدیدی که افراد بشری در نتیجه مواجهه با فضای سایبر روبه‌رو گشته‌اند، ترسیم حقوق حامی و حافظ بشر را در فضای بی‌کران سایبری توجیه می‌نماید (عالی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۵۳) تا با فرصت‌شماری این فضا، موجبات کاربردی‌سازی سالم و عاری از هر گونه تهدیدی برای کاربران آن فراهم آید. از این رو حقوق شهروندی، جنبه‌های قابل تصور برای شهروندان در محیط سایبر را تحت پوشش قرار می‌دهد و به وسیله آن، تعیین سرنوشت توسط خود اشخاص صاحب این حقوق تضمین می‌شود و با حفظ کرامت انسانی، مناسبات گوناگون شهروندان را در فضای سایبر تنظیم می‌شود (خسروی، ۱۳۹۸، ص. ۵۴). در واقع، حفظ منزلت شهروندان در فضای سایبر مرهون شناسایی حقوق شهروندی در این فضا است تا ضامن حرمت جایگاه شهروندی در اجتماع انسانی به حساب می‌آید (باربالت، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۲) و در عین حال، نافی هر گونه تبعیض و تعرض به دارایی‌های مادی و معنوی آنان در فضای سایبر باشد.

بی‌تردید، پیشرفت و توسعه فناوری‌ها در بستر تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات با وجود آثار مثبت و فراوان آن به یک چالش جهانی دولت‌ها (مسعودی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵) در حوزه حفظ و صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر مبدل گشته است. تأمین امنیت در ارتباط با حقوق شهروندان در برابر تهدیدات سایبری، کانون توجه سیاست‌گذاری‌های کلان دولت‌ها قرار گرفته است و نقش پلیس سایبری را برجسته‌تر از قبل نمایان می‌سازد و لزوم ایجاد و توسعه کامل سازوکارهای برقراری آن را در فضای سایبر توجیه می‌کند (درویشی، ۱۳۹۷، ص. ۴۳).

مسئله پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه طرح کرد که با توجه به گستره تهدیدات سایبری علیه حقوق شهروندی که منجر به ارتکاب جرایم سایبری با ویژگی‌های منحصر به فرد این قبیل جرایم به همراه تورم بزهکاری در بستر فضای سایبر به جهت

سهولت در ارتکاب آن و مشقت در استنادپذیری آن نسبت به سایر جرایم می‌گردد (رحمتی، ۱۳۸۴، ص. ۵۶)، اختصاص ایجاد یک نظام حقوقی منسجم و دارای اصول و قواعد حقوقی ویژه از حیث حفظ و صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر ضرورتی کارا به حساب می‌آید، لذا در کنار به رسمیت شناختن حقوق شهروندی در فضای سایبر، اصول و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق مذکور در جهت حفظ و صیانت از حقوق شهروندی در این فضا از اهمیت بالایی برخوردار است.

فرضیه قابل طرح نیز به این صورت است که در مسئله حفظ و صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر بایستی اصول و قواعد کلی حقوقی ملحوظ نظر قرار گیرد تا در روابط میان شهروندان با یکدیگر و نیز در ارتباط حکومت با شهروندان حکم فرما باشد و هم احکام و مقررات منتج از آن اصول و قواعد حقوقی در کلیه مناسبات و روابط میان شهروندان در فضای سایبر حاکمیت پیدا کند. با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوقی مرتبط با حفظ و صیانت از حقوق شهروندان در فضای سایبر، از طرفی هم توجه به حقوق شهروندی در تمام سیاست‌ورزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان حکومت‌ها در زمینه فضای سایبر ایجاب می‌شود و از طرف دیگر، روابط میان اشخاص با یکدیگر نیز در این فضا با رعایت حقوق شهروندی تنظیم می‌یابد. مسئله حرمت حقوق شهروندی در فضای سایبر، اصول و قواعدی را لازم می‌آورد تا ضمن اینکه ناظر بر هر گونه روابط احتمالی شکل‌گیرنده در این فضا باشد از ایراد هر نوع آسیب ناقض حقوق شهروندی در فضای سایبر نیز جلوگیری به عمل آورد. به‌سختی دیگر، کارکرد اصلی این اصول و قواعد حقوقی افزون بر اعتلای حرمت حقوق شهروندان در فضای سایبر، مانع از تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های متعرض به این حقوق در این فضا به حساب می‌آید. زیرا گستره فضای سایبر به گونه‌ای است که می‌تواند به تعداد داده‌ها و ارتباطات به‌روز در این فضا متفاوت باشد که مستلزم اصول و قواعد کلی حقوقی است تا بر تمام روابط و مناسبات موجود در فضای سایبر در راستای رسالت حقوق شهروندی ایفاء وظیفه نماید.

روش تحقیق در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از طریق توصیف و تحلیل در پی پاسخ به این پرسش است که چه اصول و قواعد حقوقی ویژه‌ای می‌تواند بر حقوق شهروندان در فضای سایبر حکم فرما باشد؟ لذا در این پژوهش با در نظر

گرفتن تنوع روابط قابل تصور در فضای سایبر از سوی شهروندان و استناد به متون فقهی و دکترین حقوقی حول محور حقوق شهروندی در فضای سایبر به اصول و قواعدی اشاره شده که در هر دو بُعد ایجابی و سلبی حقوق شهروندی می‌تواند ضامن حفظ پویایی حقوق شهروندی باشد و نقش مؤثری نسبت به رعایت آن در فضای سایبر ایفاء کند.

۱. وجوه تشابه و تمایز میان اصول و قواعد حقوقی

اصول و قواعد کلی حقوقی در عالم حقوق، گستره‌ای بی‌اندازه دارد و در هر نظام حقوقی از جایگاهی ویژه‌ای در فهم و استنباط احکام حقوقی برخوردار است. هر یک از دو اصطلاح اصول و قواعد حقوقی، مفاهیمی جدا از یکدیگر دارند و غالباً استفاده از آنها در کنار هم به جهت تمیز اصول حقوقی از قواعد حقوقی به‌کار برده می‌شود (تقی‌خانی و صالحی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۱). در این نوشتار به فراخور ماهیت موضوع به تفکیک از هر یک از دو اصطلاح مذکور استفاده شده و از این منظر، بررسی ویژگی‌های اصول و قواعد حقوقی و تمایزات آنها نسبت به یکدیگر می‌تواند در راستای فهم و درک بهتر از کاربردی‌سازی آن تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

اصول حقوقی، احکام کلی، دائمی و الزام‌آوری هستند که مبنای حقوق موضوعه را تشکیل می‌دهد و از نگاه عقلی نیز برای تضمین حقوق اساسی و سعادت انسان‌ها ضروری دانسته شده است (حیاتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹). از این رو، اصول حقوقی دارای نقش هدایتگرانه در قانون‌گذاری بوده و خط‌مشی دادرسی را نیز به‌وسیله راهبری خود اعتلاء می‌بخشد. این تعریف از اصول حقوقی به‌وضوح، ویژگی‌های آن را نمایان می‌سازد؛ به این ترتیب که کلیت اصول حقوقی از آن جهت است که بر مصادیق متعددی در قلمروی موضوعی خود حاکمیت پیدا می‌کند و از آن حیث دائمی عنوان می‌شود که برای مدت محدودی وضع نگردیده است و با گذر زمان نیز دچار تطوّر مفهومی نمی‌گردد. در واقع، خاستگاه فطری و عقلی اصول حقوقی موجد این دو ویژگی برای اصول حقوقی به حساب می‌آید و عام‌الشمول بودن و مانایی آن را تضمین می‌کند. همچنین اصول حقوقی، احکام الزام‌آوری تلقی می‌شود برای اینکه که رعایت آنها بر همگان اعم از اینکه در مقام دادرسی باشند یا تقنین، لازم و ضروری هستند (حیاتی، ۱۳۹۷، صص. ۱۹-۲۱). در مقابل،

قواعد حقوقی به احکام کلی، الزام‌آور و دارای ضمانت اجرایی اطلاق می‌شود که از سوی دستگاه تقنینی به منظور برقراری نظم در روابط اجتماعی وضع شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۵۱۶ و دانش‌پژوه، ۱۳۹۱، ص. ۵۶)؛ لذا، قاعده حقوقی در پاره‌ای از اوصاف با اصل حقوقی دارای وجوه مشترکی است لکن از پنج وجه، متمایز از اصل حقوقی محسوب می‌گردد؛ عام بودن حکم برگرفته از قاعده حقوقی برخلاف حکم ناشی از اصل حقوقی، تخصیص‌پذیر است و به موجب وضع استثنای متصل یا منفصل، امکان خروج برخی از مصادیق از حکم قاعده حقوقی وجود دارد. افزون بر اینکه امکان تخلف‌پذیری نسبت به اصول حقوقی حتی از سوی مقنن، میسر نیست درحالی‌که قانون-گذار چنین الزامی را در برابر قواعد حقوقی ندارد و اختیار نسخ و اصلاح آن را داشته و به صلاح‌دید خود ضمانت اجراهایی برای نقض این قواعد قرار می‌دهد. همچنین از حیث دوام، اصول حقوقی قابل نسخ نیستند ولی قواعد حقوقی حسب مورد بنا به تصمیم مقنن، نسخ می‌شود و جای خود را به قاعده حقوقی جدید می‌دهد. از طرفی، قواعد حقوقی نشئت گرفته از اراده صریح یا ضمنی قانون‌گذار ذی‌صلاح است لکن مشروعیت اصول حقوقی تابع وضع از سوی دستگاه تقنینی نیست و بدون نمود عینی در متون قانونی هم می‌تواند موجد آثار حقوقی باشد (حیاتی، ۱۳۹۷، صص. ۲۵ و ۲۴)؛ بنابراین، اصول حقوقی در ردیف مبانی نظام حقوقی قرار می‌گیرد و به این واسطه، قواعد حقوقی، قوام خود را از اصول حقوقی پیدا می‌کنند ضمن اینکه هیچ‌گاه نمی‌تواند در تعارض با این اصول قرار بگیرند.

۲. حاکمیت اصول و قواعد حقوقی بر حقوق شهروندی در فضای سایبر

به هنگام بحث از حقوق شهروندی در فضای سایبر بنابر تلازم مستمر میان حق و تکلیف بایستی تکالیف اشخاص پیش روی این حقوق را نیز در نظر گرفت. این ملازمه، نتیجه قهری شناسایی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندان در فضای سایبر است تا به موجب آن بتوان جلوه عملی احترام به حقوق شهروندی را در این فضا شاهد بود؛ زیرا در فرض عدم وجود هر گونه تکلیف در قبال حقوق شهروندی اشخاص جامعه در فضای سایبر نمی‌توان نقش کنش‌گری برای حفظ و صیانت از این حقوق قائل شد. درواقع، به واسطه ارتباط اشخاص با شهروندان دارای حقوق

شناخته شده در فضای سایبر، وظایفی بر این اشخاص تحمیل می‌شود تا منزلت و حیثیت شهروندان در فضای سایبر محترم شمرده شود و مانع تعرض به حقوق مادی و معنوی آنان در این فضا گردد. لکن برای این دسته از تکالیف اشخاص مختلف جامعه در برابر حقوق شهروندان در فضای سایبر می‌توان اصول و قواعدی را در نظر داشت که منبث از نوع فعالیت سایبری به‌طور کلی، دائمی و الزام‌آوری حاکمیت می‌نمایند و به تناسب مجرای هر یک، جنبه عملی حقوق شهروندی در فضای سایبر به منصفه ظهور می‌رسد. اشخاص مقابل حقوق شهروندی بنا به نوع کنش صورت گرفته در فضای سایبر و واکنش قابل تصور برای آن حسب مورد یا حکومت و یا سایر اشخاص جامعه خواهد بود که هر یک اصول و قواعد حقوقی خاص و متناسب خود را می‌طلبند؛ لذا از حیث تنوع موجود در روابط و مناسبات شهروندان در فضای سایبر، اصول و قواعد حقوقی را می‌توان به تفکیک در دو مبحث روابط خصوصی میان شهروندان با دیگر اشخاص جامعه و رابطه حکومت با شهروندان بررسی کرد.

۲-۱. اصل حقوقی حاکم بر روابط میان شهروندان با دیگر اشخاص جامعه در فضای سایبر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی در شرع انور اسلام که در همه ابواب و مسائل فقهی اعم از عبادات و معاملات از سوی فقهای عامه و امامیه بازتاب گسترده‌ای داشته و کراً در استنباط احکام شرعی در کتب فقهی به آن استناد شده، قاعده تأسیسی اسلام بر «لا ضرر و لا ضرار» است^۱ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۲۸). صرف نظر از مباحث مطروحه راجع به مدارک ابن قاعده فقهی که عبارت‌اند از آیات، روایات و سیره عقلاء و دیگر فروع راجع به این قاعده که مفصلاً در برخی متون فقهی و یا رساله‌های مستقلی در رابطه با آن نگاشته شده^۲، آنچه در این مبحث از قاعده «لا ضرر» مراد نگارنده قرار گرفته، مطالب راجع به قلمروی این قاعده فقهی در رابطه با منع ضرر است به این معنا که داشتن حق نمی‌تواند مجوز ضرر به دیگری قرار داده شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۲۰) نه اینکه منظور از آن بر مبنای قائلین به نفی ضرر در میدان تشریح باشد.

بر اساس مفاد این قاعده بر ضرورت پرهیز از هر گونه رفتاری که موجب ایراد ضرر بر شئون مختلف انسانی شود تأکید گردیده که بی‌تردید به جهت وسعت معنایی

عبارات: «ضرر» و «ضرار» در قاعده فقهی مذکور، جریان آن در تمام روابط خصوصی شهروندان در فضای سایبر حاکمیت پیدا می‌کند. چنانچه به هنگام ارتباط و تبادل اطلاعات در فضای سایبر، رفتار شخصی موجب ورود ضرر به اجرای حقوق شهروندی دیگری گردد، آن رفتار علاوه بر اینکه منهی نظر شارع برشمرده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۵۹)، ضمان حقوقی را بر عهده شخص متضرر مقرر می‌سازد. براین اساس، اضرار به حقوق غیر در فضای سایبر غیرمشروع بوده و فاعل آن ملزم به جبران خسارت می‌شود؛ برای مثال، اگر شخصی در حساب کاربری خود در یک شبکه اجتماعی اقدام به انتشار تصویری از خود در کنار ساحل دریای خزر بنماید درحالی‌که در همان تصویر، دیگری با لباس مخصوص شنا در حال شنا کردن باشد به موجب مفاد قاعده «لاضرر»، شخص منتشرکننده ملزم به حذف آن تصویر و یا اصلاح آن است و حتی در صورت ایراد ضرر، ضامن خسارات معنوی وارده به اوست.

جایگاه قاعده «لاضرر» به عنوان ضابطه رفتاری شهروندان با یکدیگر در فضای سایبر به لحاظ حکم تکلیفی دلالت بر حرمت رفتار اضراری در این فضا می‌کند و به لحاظ حکم وضعی، ضمان شخص زیان زننده را با وجود دیگر شرایط آن حاصل می‌آورد. اهتمام مقنن به این مسئله در اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این شکل منقح گشته است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر... قرار دهد». از این رو با توجه به اطلاق این اصل قانونی، منع بروز هر قسم رفتاری را که منجر به نقض حقوق شهروندان چه در فضای مادی و چه در فضای سایبر گردد و چه اینکه از طرف دولت باشد یا دیگر اشخاص جامعه استنباط می‌گردد. در پاره‌ای از قوانین عادی نیز به مفاد این قاعده فقهی اشاره شده است؛ از جمله در ماده ۱۳۲ قانون مدنی که به موجب آن در تراحم میان اصل تسلیط و قاعده لا ضرر، با حصول شرایطی، ترجیح با قاعده لا ضرر دانسته شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۹۴). به نظر نویسندگان از مناط این مسئله در حوزه حقوق شهروندی در فضای سایبر به این شکل می‌توان استفاده کرد که هر امری در روابط فردی و اجتماعی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات مستوجب زیان به حقوق شهروندان در این فضا گردد، غیرقانونی و ضمان‌آور محسوب می‌شود.

۲-۲. قواعد حاکم بر مناسبات حکومت با شهروندان در فضای سایبر

امروزه با عنایت به اینکه دولت‌ها از امکانات و ابزارهای اعمال قدرت در زمینه‌های مختلف و مرتبط با امور فردی و اجتماعی شهروندان جامعه خود برخوردارند و از طرفی، عدم نظارت بر نحوه استفاده از آن‌ها موجب نقض آزادی‌ها و حقوق شهروندان در فضای سایبر می‌شود، ضروری می‌نماید اصول و قواعدی حقوقی به‌منظور ایجاد توازن میان موقعیت شهروندان جامعه در برابر قدرت حاکمیت به دفاع از حقوق آنان پردازد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۵). این اصول و قواعد حقوقی، ضامن آزادی‌ها و حقوق مشروع شهروندان در فضای سایبر به حساب می‌آید و به مانند سدّی استوار موجبات حفظ و تأمین حقوق شهروندی در این فضا را فراهم می‌آورد و راه را برای متعلّیان به این حقوق می‌بندد؛ به عبارت دیگر، اقتضای اصول و قواعد حقوقی حاکم بر مناسبات حکومت با شهروندان جامعه این است که حقوق شهروندان در فضای سایبر رعایت گردد و در سایه‌سار آن، بهداشت روانی اشخاص جامعه در این فضا تأمین شود و کرامت و حیثیت آنان مصون از هر گونه تعرضی بماند. وجود اصول و قواعد حقوقی کنترل‌کننده نحوه روابط کارگزاران حکومتی با شهروندان در فضای سایبر از آن جایی الزامی محسوب می‌گردد که با هدف ایجاد توازن و تعادل میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های شهروندان، منزلت کرامت‌محور شهروندان در این فضا لحاظ می‌شود و بر نوسان قدرت میان طبقه حاکم با اشخاص جامعه نظارت می‌نماید. زیرا در یک‌سو، حاکمیت مجهز به بسیاری از امکانات و تجهیزات عمومی قرار دارد که حتی قدرت و هیمنه آن منحصر در مرزهای جغرافیایی نیست و درعین حال مسئولیت چندانی نسبت به اعمال خود ندارد ولی ازسوی دیگر، شهروندی قرار دارد که اغلب ناتوان از واکنش مناسب در برابر تعرض به حقوق است و از قدرت کافی جهت دفاع از خود برخوردار نیست که در نتیجه امر، تسلیم عوامل منشعب از حاکمیت می‌گردد (گروه نویسندگان، ۱۳۹۰، ص. ۷۸).

قواعد حقوقی به لحاظ ماهیت و کارکرد به دو دسته قواعد حقوقی ماهوی و شکلی تقسیم می‌شود (حیاتی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶). قواعد حقوقی ماهوی به آن دسته از قواعدی اطلاق می‌گردد که به اصل وجود حق و استیفای آن مربوط می‌شود ولی قواعد حقوقی شکلی، راجع به صورت خارجی اعمال حقوقی و آداب و تشریفات آن است

دانش‌پژوه، ۱۳۹۱، ص. ۶۰). مبنای این تقسیم‌بندی آن است که برگزاری دادرسی کیفری از شئون حکومت محسوب می‌گردد و قسمت عمده‌ای از حقوق شهروندی اختصاص به حقوق قضائی شهروندان در فرایند دادرسی کیفری دارد که در هر دو حوزه ماهوی و شکلی ظهور می‌یابد. استفاده از واژه «مناسبات» در شرح این مبحث به واسطه همین اعمال حاکمیت در ایفای وظیفه دادگستری است که عموماً به صورت یک طرفه از جانب حکومت تحقق پیدا می‌کند. براین اساس، اصول و قواعد حقوقی ناظر بر فرایند دادرسی کیفری مبنی بر حفظ حقوق شهروندان در فضای سایبر در دو بند مجزاً به امور و مسائل ماهوی و شکلی به حیطة نگارش درمی‌آید.

۲-۱-۲. اصل برائت در حوزه مسائل ماهوی فضای سایبر

طبق مفاد کلی اصل برائت، هر امری که توجه آن به شخص مورد تردید باشد و نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی یا مضیقه برای او ایجاد کند باید آن شخص را امر مبری از آن تلقی کرد؛ زیرا بدون دلیل قاطع، تحمیل زحمت به اشخاص روا نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۶). اما اصل برائت در حقوق جزائی به این معناست که متهم بایستی بی‌گناه شمرده شود مگر اینکه اتهام او در یک مرجع صالح به رسیدگی بر اساس قانون و موازین عادلانه ثابت گردد؛ مطابق مدلول این اصل مترقی، هیچ‌کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. به موجب این اصل، انسان‌ها از نوعی مصونیت برخوردار شده و حقوق آنها در حصار مستحکم و تحت حمایت قرار گرفته و از جانب قوای عمومی تضمین شده است (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص. ۶). این اصل راهبردی در دادرسی کیفری یکی از اصول تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های شهروندان در فضای سایبر است که از طریق آن ضمن حفظ کرامت انسانی، بی‌گناهی اشخاص فرض می‌شود (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص. ۱۸۶). در پرتو این اصل به عنوان یکی از معیارهای برقراری عدالت، انسان توانسته به مقابله با تعرض به حقوق خود در فضای سایبر پردازد و احساس امنیت و آزادی خود را تقویت کند تا شأن و جایگاه شهروندان در این فضا، حفظ شود (شاملو، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۹). در پناه این اصل مبنایی در حقوق موضوعه، حقوق شهروندی در فضای سایبر رعایت می‌گردد و کرامت انسانی نیز محور اعمال حاکمیت در این فضا قرار می‌گیرد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۶).

جایگاه شامخ اصل براءت به گونه‌ای است که حتی رعایت فرض براءت برای قانون‌گذار نیز در تدوین قوانین و مقررات راجع به فضای سایبر هم الزامی است (آشوری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۲۹)؛ با این توضیح که مقنن باید فرض را بر جرم و قابل مجازات نبودن رفتار شهروندان در فضای سایبر قرار دهد به گونه‌ای که جرم‌انگاری در این زمینه، امری استثنائی محسوب گردد (رحمدل، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۱). به همین خاطر از اصل براءت به عنوان بیانیه سیاسی شهروندان علیه قدرت حاکم تعبیر شده است (آشوری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۲۹)، افزون اینکه مجریان قانون، اصل را بر براءت اشخاص از ارتکاب جرم در فضای سایبر گذاشته تا شهروندان، مصونیتی در برابر مجرم شناخته شدن پیدا کنند. تمام فرایند دادرسی کیفری از رهگذر جریان اصل براءت، تحت تأثیر قرار می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۸۴)؛ از جمله اینکه بار اثبات اتهام حسب مورد بر عهده دادستان یا شاکی قرار داده می‌شود و محدودیت‌ها و الزامات قانونی در مورد متهم نیز در صورتی اعمال می‌گردد که ادله کافی برای توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۶۱). در واقع اصل براءت ایجاب می‌کند که مراجع قضائی و ضابطین دادگستری در تعیین مصداق خارجی جرایم سایبری، قائل به عدم وصف کیفری آن رفتار انتسابی باشند. این قاعده حقوقی در قالب بخشی از محتوای نظام قضائی کشورها از یک طرف، وظایف سنگینی را بر عهده مقامات قضائی و پلیس سایبر در تحصیل ادله برای انتساب جرم سایبری به شهروندان گذاشته است (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۷) و از طرف دیگر، به هنگام ایراد تردید در مجرم شناختن شهروندان سایبری، توجه اتهام به آنها را منتفی می‌سازد.

از حیث قوانین و مقررات مشعر بر اصل براءت به عنوان نمونه در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸^۳، اصل بر براءت و عدم بزه‌کاری اشخاص تصریح گردیده است مگر آنکه مجرمیت آنان در دادگاهی صالحی با رعایت حقوق دفاعی خلاف آن ثابت شود. همچنین در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۴، فرض بی‌گناهی متهم بیان گردیده است که پشتیبان احترام به حقوق انسان‌ها به شمار می‌آید. در اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۵ نیز بر فرض براءت اشخاص از ارتکاب و انتساب بزه به آنان مورد تأکید قرار گرفته است که با عنایت به اطلاق آن،

فرض برائت بر رفتار شهروندان در فضای سایبر نیز از نظر دور نیست. مضافاً بر اینکه در بند (۲) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی به برخورداری شهروندان از حق امنیت قضائی و برائت آنها در پناه قانون توجه شده است. در یک اقدام نوآورانه، این اصل زیربنایی در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی^۶ با این بیان که: «هر گونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی» ممنوع است، حفظ حقوق شهروندان در فضای سایبر در فرایند دادرسی کیفری مطمح نظر قرار گرفته تا خدشه‌ای بر کرامت ذاتی آنها وارد نشود. بنابراین، رعایت اصل برائت در سه مرحله تقنین، قضاء و اجراء نه تنها اختصاص به متهمین جرایم سایبری ندارد بلکه جامعه هدف آن تمامی شهروندان هستند.

۲-۲-۲. اصل دادرسی منصفانه در حوزه مسائل شکلی فضای سایبر

همواره قواعد و مقررات آیین دادرسی کیفری در کنار کارکرد بی نظیر آن در به منصفه ظهور رسانیدن عدالت باید حقوق و آزادی‌های شهروندی را هم توأمان مراعات کند. قانون‌گذار نمی‌تواند برای حفظ یا اعاده نظم عمومی در اجتماع، حقوق شهروندان را نادیده انگارد و آزادی‌های متهم را به عنوان یک شهروند لگدمال نماید. شرایط یک دعوای کیفری بایستی به گونه‌ای تنظیم و اجرا گردد که در آن، نماینده جامعه (دادستان) در تعقیب و تحقیق از متهم در مقابل او از جایگاه مساوی برخوردار باشند و با سازوکارهای برابر به نبرد قضائی بپردازند (برنار، ۱۳۷۷، صص. ۲۷ و ۲۸). بنابراین اصلی لازم می‌آید تا رویکردی را در زمینه برگزاری دادرسی کیفری حاصل آورد که عملاً جهت‌گیری دستگاه عدالت کیفری به سمت تساوی سلاح‌ها میان دادرسی و شهروند در فضای سایبر سوق پیدا کند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۰، ص. ۷۸) و امکان برخورداری شهروندان از حداقل تضمینات کیفری نیز فراهم گردد.

جایگزینی نظام اتهامی در تحقیقات مقدماتی جرم به جای نظام تفتیشی و بالتبع، تلاش برای عادلانه کردن دادرسی کیفری مستوجب حفظ حقوق شهروندان در فضای سایبر می‌شود و توازن میان مصالح جامعه و احترام به حقوق شهروندی در فضای

سایبر به خوبی جریان می‌یابد. از این رو، در معرض اتهام قرار دادن شهروندان به موجب کاربری آنان در فضای سایبر وقتی از معیارهای دادرسی منصفانه برخوردار می‌شود که شهروندان در فرایند امور کیفری آزادانه درحالی‌که دارای تضمین‌های لازم برای دفاع هستند، محاکمه شوند (امیدی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۲). این مهم نیازمند وجود اصلی است تا در کلیت دادرسی کیفری علیه شهروندان سیطره داشته باشد و در نقاط تلاقی اقدامات مأمورین دولتی با حقوق شهروندی از حقوق آنان در فضای سایبر صیانت به عمل آورد (چگینی؛ سیاه‌بیدی کرمانشاهی و بهرام‌پوری، ۱۳۹۹، ص. ۱۲).

رسیدگی منصفانه به دعوای کیفری ایجاب می‌کند ضمن اینکه دادرسی به‌طورکلی، منصفانه به نظر برسد اصطلاحاً تساوی سلاح‌ها نیز در برخورداری از ابزارهای دفاع رعایت شود (شمس، ۱۳۹۴، ج ۲، ص. ۱۲۰). در واقع، اصل دادرسی منصفانه خود در قالب یک مفهوم مستقل تضمین‌کننده حقوق شهروندی در فضای سایبر به حساب می‌آید به این صورت که هرگاه به‌واسطه فعالیت‌های شهروندان در فضای سایبر، اتهاماتی متوجه آنان گردد و منجر به تعقیب و تحقیق از آنان از سوی دادگستری گردد بر اساس اصل دادرسی منصفانه از پایمال شدن حقوق و آزادی‌های ترسیم شده برای شهروندان در محیط سایبر جلوگیری به عمل می‌آید. به موجب این اصل راهبردی، حقوق و آزادی‌های شهروندی اشخاص جامعه در فضای سایبر بی‌جهت از سوی مقامات قضائی و ضابطان دادگستری قابل سلب نیست و نمی‌توان به بهانه تأمین امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، حقوق شناخته‌شده شهروندان را نادیده گرفت یا تحدید نمود؛ چرا که ارتکاب اقدامات ناقض حقوق شهروندی در فضای سایبر علاوه بر اینکه خود یک عامل ضد امنیت در حوزه تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات تلقی می‌گردد در تقابل اختیارات حاکمیت با حقوق شهروندی اشخاص در فضای سایبر نیز حقوق و آزادی‌های شهروندان را در فضای سایبر مرجح می‌داند، لذا به نظر می‌رسد به موجب اصل دادرسی منصفانه، کارایی ابزارهای در اختیار قضات، ضابطین و دیگر عوامل دخیل در فضای سایبر تا بدان جایی است که موجب تعرض به حقوق شهروندی را در آن فضا به دنبال نداشته باشد. به‌سخن دیگر، رسیدگی دادگستری به دعوای منطبق بر ضوابط و هنجارهای قانونی و منطقی در پرتو رعایت حقوق شهروندی در فضای سایبر از خودسری و اعمال سلابیق در رسیدگی‌ها جلوگیری

می‌کند و از حقوق شهروندی پاسداری می‌نماید (محمود، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۵).
براین اساس، حق دادرسی منصفانه شهروندان از شاخصه‌های بنیادین حکومت قانون بر نظام قضائی برشمرده شده است (یاوری، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۵).

از منظر قوانین و مقررات مشعر بر اصل دادرسی منصفانه می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی^۷ بر لزوم رسیدگی منصفانه در دعاوی شهروندان تأکید گردیده است تا در مساوات کامل به اتهامات انتسابی آنها ناشی از کاربری شهروندان در فضای سایبر مورد دادرسی واقع شود. در این اعلامیه، برخوردارگی از یک دادرسی منصفانه در قالب یک حق مسلم و غیرقابل انکار برای انسان‌ها محسوب شده است. همچنین در ماده ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ میلادی^۸ نیز به اصل دادرسی منصفانه برای شهروندان اشاره گشته است. در حوزه قوانین و مقررات داخلی نیز در یک اقدام بدیع از سوی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی به موجب مواد ابتدایی این قانون برای نخستین بار به اصول بنیادین در دادرسی کیفری پرداخته شده است. هر چند در هیچ‌یک از این مواد قانونی به‌صورت مستقیم اشاره‌ای بر اصل دادرسی منصفانه در قالب یک اصل مستقل نگردیده لکن در ماده ۷ اصلاحی از قانون یادشده^۹ بر لزوم رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری از سوی مقامات قضائی، ضابطین و دیگر اشخاص دخیل در فرایند دادرسی کیفری تأکید شده است. همچنین ماده ۴ همین قانون به غیرمجاز محسوب شدن هر گونه اقدام خلاف کرامت و حیثیت اشخاص دلالت دارد. همچنین در مواد ۵۶ تا ۶۷ منشور حقوق شهروندی ابلاغی آذر ماه ۱۳۹۵ ریاست جمهوری ایران و نیز فصل دوم دستورالعمل حفظ و کرامت ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب ۲۲ تیر ۱۳۹۸ رییس قوه قضائیه به اصل دادرسی عادلانه به عنوان یکی از حقوق شهروندان تصریح شده است. مستفاد از این نصوص و سایر منابع قانونی به‌وضوح مراعات حقوق شهروندی اشخاص جامعه در فضای سایبر از سوی همه عوامل قضائی، انتظامی و امنیتی در پیش‌روی کلیه اقدامات، دستورات و مأموریت‌های آنان لازم می‌آید؛ بنابراین هر نوع تصمیم یا اقدامی که در فضای سایبر از ناحیه مجریان قانون مطرح می‌گردد بایستی در پرتو اصل دادرسی منصفانه، حافظ حقوق شهروندی اشخاص در این فضا

باشد. در مقابل، هرگاه اقدامی از سوی هریک از مقامات قضائی و ضابطین دادگستری موجب نقض حقوق شهروندی اشخاص در فضای سایبر گردد و یا سلب آزادی‌های آنان در این فضا باشد، فاعل آن مستحق مجازات قانونی خواهد بود. از این‌رو، در ماده ۵۷۰ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵ این سان به این امر امعان‌نظر شده است و همچنین در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴ اسفند ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی^۱، تخلف از رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی کیفری مورد جرم‌انگاری و کیفرگذاری قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

ماهیت فضای سایبر از ره‌گذر پیوند سامانه‌های رایانه‌ای و اتصال شبکه‌های کاربران به یکدیگر، فضای بی‌کرانی را ایجاد نموده است که به موجب آن، داده‌های محیط مادی به شکل الکترونیکی در اختیار استفاده‌کنندگان فضای سایبر قرار دارد. از آن جهت که گریز از فضای مجازی، امکان‌پذیر نیست بایستی یک نظام حقوقی جامعی برای شهروندان در نظر گرفته شود تا از حیثیت مادی و معنوی در این فضا از حقوق و آزادی‌های مسلم آنان حفاظت و حمایت به عمل آورد و منزلتی را برای آنان در پیش گیرد تا مستوجب پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های ناشی از کاربری در این فضا از سوی اشخاص جامعه گردد. فراهم نمودن امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات وظیفه‌ای است که دولت‌ها در برابر شهروندان خود بر عهده دارند تا از تبدیل شدن فضای سایبر به محیطی آلوده به‌منظور فعالیت‌های غیرقانونی جلوگیری گردد. دولت‌ها نیز با به‌کاربردن قدرت و اختیار عمومی در صدد حفظ و صیانت از حقوق شهروندی در فضای سایبر هستند تا به تراز حکمرانی مطلوب در زمینه برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات نائل آیند. از این حیث، حقوق موضوعه ایران هم در جای خود با شناسایی حقوق و آزادی‌هایی برای شهروندان در فضای سایبر مبادرت به تعیین سازوکارهایی جهت برقراری امنیت در حوزه فضای سایبر نموده است.

نتیجه قهری به رسمیت شناختن حقوق شهروندی در فضای سایبر، تکالیفی است علیه دیگر اشخاص تا جلوه کنش‌گری این حقوق در این فضا ظاهر گردد. به جهت

حفظ حرمت حقوق شهروندی در روابط و مناسبات مختلف در حوزه فضای سایبر بایستی اصول و قواعد کلی حقوقی حاکم گردد تا از ایراد هر گونه ضرری به حقوق شهروندان در فضای سایبر جلوگیری به عمل آورد و موازنه قدرت و اختیارات عمومی را در تقابل با حقوق شهروندان در فضای سایبر برقرار سازد. اصل «لا ضرر» به عنوان یک ضابطه رفتاری شهروندان در فضای سایبر، ایراد هر گونه زیان به حقوق شهروندی را در روابط میان شهروندان با یکدیگر را منتفی می‌سازد و از جنبه وضعی بر جبران خسارت ناشی از ضرر شهروند بر شهروند دیگر ناشی از کاربری در فضای سایبر دلالت می‌نماید. در واقع به واسطه وسعت معنایی «ضرر» و «ضرار» در روایت «سمره بن جندب»، اضرار به حقوق غیر در فضای سایبر غیرمشروع بوده و فاعل آن ملزم به جبران خسارت می‌گردد. دو اصل «برائت» و «دادرسی منصفانه» نیز بر مناسبات حکومتی با شهروندان، ضامن احترام به حقوق شهروندی در فضای سایبر توسط ارکان مختلف حکومت به حساب می‌آید و معیاری برای تشخیص قانونی یا غیرقانونی بودن اتخاذ تصمیمات و رفتارهای دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی مختلف نسبت به این قبیل حقوق تلقی می‌گردد. این دو اصل، ضامن آزادی‌ها و حقوق مشروع شهروندان در فضای سایبر تلقی می‌گردد و به مانند سدی استوار موجب حفظ و تأمین حقوق شهروندی در این فضا می‌شود و راه را برای متعدیان به این حقوق می‌بندد. در پرتو اصل برائت در حوزه امور ماهوی با فرض بی‌گناهی شهروندان، حقوق و آزادی‌های آنان در فضای سایبر تأمین می‌شود. افزون بر اینکه مقنن فرض را بر جرم و قابل مجازات نبودن رفتار شهروندان در فضای سایبر قرار دهد، مجریان قانون نیز ملزم به مبری قلمداد کردن شهروندان از ارتکاب جرم در فضای سایبر هستند تا به این وسیله، مصونیتی در برابر مجرم شناخته شدن پیدا کنند. در راستای اصل دادرسی منصفانه از پایمال شدن حقوق و آزادی‌های شهروندان در فضای سایبر در طول فرایند دادرسی کیفری جلوگیری به عمل می‌آید، لذا هر گاه به واسطه فعالیت‌های شهروندان در فضای سایبر، اتهاماتی متوجه آنان گردد و منجر به تعقیب و تحقیق از آنان از سوی دادگستری شود بر اساس اصل دادرسی منصفانه از پایمال شدن حقوق و آزادی‌های ترسیم شده برای شهروندان در محیط سایبر جلوگیری به عمل می‌آید. در واقع به موجب این اصل نمی‌توان به بهانه تأمین امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، حقوق

شناخته شده شهروندان را نادیده گرفت یا آن را تحدید نمود. به طور کلی، این اصول و قواعد حقوقی منشعب از دکتترین حقوق داخلی و بین‌المللی، مراعات حقوق و آزادی‌های شهروندی در فضای سایبر را تضمین می‌کند و ملاکی برای تشخیص تعرض به این حقوق را در این فضا ارائه می‌دهد.

یادداشت‌ها

۱. آنچه در مقام بیان قلمروی شمول قاعده «لا ضرر» در کلام فقهاء تقریر شده، دلالت التزامی روایت سمره ابن جندب بر نهی از هر گونه ضرر زدن و حرمت آن است که لزوم تدارک ضرر را در احکام وضعی آن مترتب می‌سازد (فرحی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹۶)؛ یعنی این قاعده هم دلالت بر وجوب اجتناب از اضرار به غیر می‌کند و هم ضمان رفتار مزار را ایجاب می‌نماید. این عدم رضایت شارع مقدس به ایراد ضرر حتی به نفس انسان از طرف خویش شامل همه امور رایج بین مردمان می‌گردد (فرحی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹۷) و براین اساس می‌توان اذعان داشت که حکم این قاعده در جریان روابط اشخاص در حوزه فضای سایبر نیز مترتب است (مشکینی، ۱۳۷۱، ص. ۲۰۳). چراکه تقابل ضرر و نفع، تقابل عدم و ملکه است بدین معنا که ضرر، نبود چیزی است که سزاوار انسان باشد و شامل هر نقصی است که متوجه او شود و خلاف مصلحت وی به حساب آید خواه مربوط به نفس خویش باشد یا مال او یا حرمت وی (فرحی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹۰). در تفاوت میان ضرر و اضرار در روایت سمره گفته شده است که اضرار، رفتار بین دو یا چند نفر است ولی ضرر، فعل یک نفر است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۵۶).
۲. از جمله رساله‌ای مستقل تحت عنوان «قاعده لا ضرر» از سوی شیخ الاعظم الانصاری (قده) به نسخه طبع در آمده که در ملحقات کتاب مکاسب به چاپ رسیده است. همچنین مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی، رساله‌ای ویژه در این باره به رشته تألیف درآورده‌اند. در کتاب منیه المرید مرحوم نائینی و عوائد الایام ملا احمد نراقی نیز بایی به این قاعده اختصاص یافته است.
۳. «هر شخصی متهم به جرمی کیفری، سزاوار و محق است تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بیگناه تلقی شود».
۴. «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود».

۵. «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».
۶. «اصل، براءت است هر گونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».
۷. «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند».
۸. «هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. نتیجه دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود».
۹. ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴): «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است».
۱۰. «... متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

کتابنامه

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۹۵. تهران: سمت.
۲. امیدی، جلیل (۱۳۸۲). دادرسی کیفری و حقوق بشر. نشریه مجلس و پژوهش، سال دهم، (۳۸).
۳. باربالت، جک (۱۳۸۳). حقوق شهروندی. ترجمه جواد کارگزاری، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، (۲).
۴. برنار، بلوک (۱۳۷۷). کیفرشناسی. مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجد.

۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). قواعد فقه (قاعده لا ضرر) با تطبیق بر قوانین و مطالعه تطبیقی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۶. تقی‌خانی، علی و صالحی‌نیا، محمد (۱۳۹۶). اصول و قواعد حقوقی حاکم بر دادرسی دادگاه‌های مجازی با رویکردی بر حقوق کامن‌لاو. تهران: چتر دانش.
۷. جعفری لنگردی، محمدجفر (۱۳۹۲). مبسوط ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۸. جوان‌جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). جرایم سایبر و رویکرد افتراقی حقوق کیفری. مجله دانش و توسعه، سال هجدهم، (۳۴)، صص. ۱۷۷-۲۰۱.
۹. چگینی، مهدی؛ سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید و بهرام‌پوری، رسول (۱۳۹۹). تلاقی اختیارات پلیس و حقوق شهروندی در مرحله تحقیقات مقدماتی. پژوهش‌نامه حقوق بشری، (۱).
۱۰. حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۷). مفهوم «اصل حقوقی» و مقایسه آن با «قاعده حقوقی» (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه). دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، سال هفتم، (۲).
۱۱. خالقی، علی (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
۱۲. خسروی، حسن (۱۳۹۸). حقوق شهروندی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۳. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۱). مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. درویشی، عباس (۱۳۹۷). جایگاه پلیس و نیروی انتظامی در حفظ حقوق شهروندی. تهران: قانون‌یار.
۱۵. رحمتی، حسین (۱۳۸۴). حقوق شهروندی. قم: نشر نگین.
۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۵). قانون اساسی ایران و اصل برائت. نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، (۶-۷).
۱۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. تهران: مجد.
۱۸. شاملو، باقر (۱۳۸۳). اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، مندرج در علوم جنائی. تهران: سمت.
۱۹. شمس، عبدالله (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی (۳ج). تهران: دراگ.
۲۰. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۲۱. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۶). حقوق کیفری فناوری اطلاعات (جرایم رایانه‌ای). تهران: مرکز مطالعات توسعه قضائی معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه.
۲۲. فرحی، سید علی (۱۳۹۰). تحقیق در قواعد فقهی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۳. فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷). اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن. مجله پژوهش دینی، (۳۶).
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). فلسفه حقوق. تهران: میزان.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
۲۶. گروه نویسندگان (۱۳۹۰). حقوق شهروندی - مجموعه مقالات (۱). تهران: معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی معاونت حقوقی ریاست جمهوری.
۲۷. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۰). قواعد فقه (۴) - (بخش جزائی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۹. محمود، صابر (۱۳۸۸). معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸(۴).
۳۰. مسعودی، علی (۱۳۸۱). پدیده اینترنت. ماهنامه دیدار آشنا، (۲۷).
۳۱. مشکینی، علی (۱۳۷۱). اصطلاحات الاصول و معظم أبحاثها. قم: نشر الهادی.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ قی). القواعد الفقهیه. الجزء الاول، الطبعة الثالثة، قم: مدرسه الامام امیرالمومنین (علیه السلام).
۳۳. یآوری، اسدالله (۱۳۸۳). حق برخورداری از دادرسی منصفانه. فصلنامه حقوق اساسی، (۲).

